



کتابخانه



سلام



زندگی از منظر سوره «الرحمن»:

جلسه نهم - بهمن ماه ۱۳۹۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَلَّمَ الْقُرْآنَ (٢)

خَلَقَ الْإِنْسَانَ (٣)

عَلَّمَهُ الْبَيَانَ (٤)

الرَّحْمَنُ (١)

« بیان » تعلیم شده به انسان، « دو جنبه » دارد:

۱- « قدرتِ تفهیم »:

برای دریافت و فهمِ « بیّنات »،

۲- « قدرتِ تفهیم »:

برای إرائهٔ « بیّنات و إقناع » دیگران.

پس لازمهٔ « **فهمِ بیّنات** »، تفکر و تعقل و تذکر است
تا انسان بتواند به زندگی سالم، « هدایت » شود:

... کَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ الْاٰیٰتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُوْنَ (بقره/۲۱۹)

کَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ اٰیٰتِهٖ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ (بقره/۲۴۲)

... وَ يُبَيِّنُ اٰیٰتِهٖ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُوْنَ (بقره/۲۲۱)

... کَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ اٰیٰتِهٖ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُوْنَ (آل عمران/۱۰۳)

اگر « **تفکر** و **تعقل** و **تفهم** » انسان،

« **فعال** » نباشد،

نه تنها از « **بینات** » بهره‌ای نمی‌برد

بلکه آنها را « **انکار** » هم می‌کند،

و از حدّ طبیعی و عقلی و شرعی « **خارج** » می‌شود:

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ
وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ (بقره/۹۹)

و قطعاً بر تو آیاتی روشن فرو فرستادیم

و جز ساختارشکنان، آنها را انکار نمی‌کند.

پس « **کافر** »،

در واقع « **تفکر** و **تعقل** » خود را

« **می‌پوشاند** » تا « **حق** » را نفهمد.

در نظامِ حکیمانهٔ الهی،

برای انسانی که قدرتِ «**تفهّم**» دارد

«**تفرقه و اختلاف**» در خانواده و جامعه،

بعد از إرائهٔ «**بیّنات**»، «**پذیرفتنی**» نیست:

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا

مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ

وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (آل عمران/ ۱۰۵)

و مثلِ آنهایی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند پس از آن
که^{۱۲} دلائل آشکار برایشان آمد زیرا برای آنها عذابی سهمگین است.

یک نمونه « بیان »:

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ

إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا

(إسراء/٣٦)

آیہ پنجم:



الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ (۵)

درخشانی خورشید و منعکس کنندگی ماه،

بر مبنای حساب (ی دقیق) است.

قال الله تعالى :

الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ

(الرحمن : ٥)

أي الشمس والقمر يجريان متعاقبين بحساب
متقن، لا يختلف ولا يضطرب.

التفسير الميسر

بعد از « تعلیم قرآن » و « تعلیم بیان »،

« شمس و قمر »،

سومین و چهارمین « آلاءِ » الهی است.

الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ: کارِ خورشید و ماه « حساب » دارد.

حجم، وزن، جرم، حرکات، مدار و فاصله آنها نسبت به کراتِ دیگر و « میزانِ تأثیر آنها بر مخلوقات »، همه قابل محاسبه است.

و نظمِ آنها به قدری حسابِ دقیق دارد که می‌توان

« ماه گرفتگی، خورشید گرفتگی و تحویل سال نو » را

از هزاران سال قبل، با اطمینان، اندازه‌گیری و پیش‌بینی کرد.

« حُسبان » یعنی چه؟

حَسَبَ: نیاکان، پدران و کارها و سوابق ثابتِ زندگی.

محاسبه: بررسی دقیقِ سوابقِ گفتاری، رفتاری و اخلاقی که به مجازات یا پاداش منجر می‌شود.

حساب و حُسابان: حرکت و جریان بسیار دقیق و ثابت و طبق برنامه‌ای منظم.

حَسِبْتُ: (بر مبنای گذشته)، « گمان بردم ».

أَحَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ؟ (عنکبوت/۲)

آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم، رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟

« حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ » (آل عمران/۱۷۳)

« خدا (بر ما اشراف کامل دارد و احوال و جریان امور ما را می‌داند پس) ما را بس است و نیکو حمایتگری است. »

« وَ يُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِنَ السَّمَاءِ » (کهف/۴۰)، « و بر آن (باغ) آفتی از آسمان می‌فرستد. »

(یعنی به حسابشان رسیدگی می‌کند و چون عملشان عصیان و نافرمانی است، پس نتیجهٔ حسابرسی‌شان، مجازات است.)

« **أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ** » صلوات الله عليه **می فرمایند:**

... فَأَنْظُرُ إِلَى الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ

وَالنَّبَاتِ وَالشَّجَرِ وَالْمَاءِ وَالْحَجَرِ

وَاخْتِلَافِ هَذَا اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

وَتَفَجُّرِ هَذِهِ الْبَحَارِ وَكَثْرَةِ هَذِهِ الْجِبَالِ ...

... به خورشید و ماه گیاه و درخت، آب و سنگ، آمد و شد این شب و روز،

روان²³ شدن این دریاها و این کوههای بسیار و بلندی این قلله‌ها با دقت کن

فَأَنذِرْ لِمَنِ **أَنْكَرَ** **الْمُقَدَّرَ**

وَجَحَدَ **الْمُدَبِّرَ**

زَعَمُوا أَنَّهُمْ كَالنَّبَاتِ مَا لَهُمْ زَارِعٌ (خطبه/ ۱۸۵)

وای به حال آنکه آفریننده و تقدیرکننده را نشناسد، و تدبیر کننده را انکار کند.

پنداشته‌اند^{۲۴} که آنها مثل گیاهانِ خودرو بدون زارع‌اند، و صورتهای متنوع آنها آفریننده‌ای ندارد؟

منظور از « شمس و قمر » چیست؟

ظاهراً « **شمس** »، هر مخلوقی است که

از خودش « نورافشانی » دارد،

و ظاهراً « **قمر** »، هر مخلوقی است که

« نور خورشید » را « منعکس » می کند.

خصوصیاتِ « شمس » در قرآن:

ضُحَا: « آشکار کننده » است: وَ الشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا،

بَارِغَةٌ: « شب‌شکن، شکافنده تاریکی » است: الشَّمْسِ بَارِغَةً،

ضِيَاءٌ: « روشنایی همراه با حرارت » است: جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً،

سِرَاجًا: « درخشان » است: جَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا،

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَ مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا (۴۵)

وَ دَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ **سِرَاجًا** مُنِيرًا (احزاب/۴۶)

ضمناً « شمس »،

« طُلُوع، مَغْرِب، مَطْلِع، دُلُوك، كُورَت »

و « جريان و تسبیح و سجده » هم دارد:

... تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ...

وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ ...

A photograph of a window with light-colored wooden frames and sheer white curtains. The window is partially open, revealing a lush green garden outside. In the foreground, several potted plants with bright red flowers are placed on the windowsill. A teal banner with white text is overlaid on the left side of the image.

« نکته » اول:

در سورة كهف،

« مَطْلَعُ الشَّمْسِ »

و « مَغْرِبُ الشَّمْسِ »

« شَرْق و غَرْبِ » زمین نیستند.

زیرا زمین « **کروی** » است،

پس « **شرق** ها » و « **غرب** ها » دارد:

فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ ...

(معارج / ۴۰)

و چون «زمین» دورِ «خورشید» می‌چرخد،

پس «غروب و طلوع» برای خورشید،

یک «خطای گفتاری»

ناشی از «خطای دید» انسان است،

پس «**شمسی**» که غروب و طلوع دارد را

باید در «زمین» جستجو کنیم.

مانند این آیه:

إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا

وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ (يوسف/ ٤)

A photograph of a window with light-colored sheer curtains. The window is divided into several panes. Outside the window, there are lush green trees and foliage. On the windowsill, there are several potted plants with bright red flowers. A teal banner with white text is overlaid on the bottom left of the image.

« نکتہ » دوم:

قرآن در سوره کهف می‌فرماید:

حَتَّىٰ إِذَا **بَلَغَ** **مَطْلِعَ** **الشَّمْسِ** وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ

لَمْ نَجْعَلْ لَهُمْ مِّنْ **دُونِهَا** **سِتْرًا** (کهف/۹۰)

تا به مطلع خورشید رسید و آنرا یافت که بر قومی می‌تابد که

³⁶ برای آنها در برابر آن، «پوششی قرار نداده بودیم.»

پس آن « قوم »،

آنقدر « فهمیده و بصیر و مؤمن » هستند که

خداوند، آن « خورشید » را « عامل حفظِ » آنها قرار داده

و آنها به « ستر » او « پناه » بُرده و عاملِ « طلوع » آن می‌شوند

یعنی: مصداقِ « شمسِ » این آیه هم شمسِ آسمان نیست

بلکه « کَهفی الهی » است که آن قوم به او پناه می‌برند:

السَّلَامُ عَلَى أَيْمَةِ الْهُدَى

وَمَصَابِيحِ الدُّجَى وَ أَغْلَامِ التُّقَى وَ ذَوِي النَّهْيِ وَ أُولَى الْحِجَى

وَكَهْفِ النُّورِ وَ وَرَثَةِ الْأَنْبِيَاءِ (زيارة جامعہ)

سلامِ خدا بر امامان هدایت و روشنگرانِ تاریکی و پرچم‌های تقوا
و صاحبانِ عقل و متولیانِ فطانت و پناه مردم و وارثانِ پیامبران .

خصوصیاتِ «قمر» در قرآن:

نُور: و « روشنایی » دارد:
جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَ الْقَمَرَ نُوراً

بازِغَه: « درخشنده و شکافنده تاریکی » است:
فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِغاً

منیر: « روشن کننده » است:
وَ جَعَلَ فِيهَا سِرَاجاً وَ قَمَراً مُنِيراً.

ضمنا ماه: « منازل » هم دارد: وَ الْقَمَرَ قَدَرْنَاهُ مَنَازِلَ ...

ماه: یکبار « نصف » شده است: وَ انْشَقَّ الْقَمَرُ.

ماه: با سایه زمین « خسوف » می شود: وَ خَسَفَ الْقَمَرُ.

ماه: « بدر تمام » می شود: وَ الْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ.

ماه: « شمس » را « دنبال » می کند:

وَ الشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلَاها.

A photograph of a window with light-colored sheer curtains. The window is divided into several panes. Outside the window, there are lush green trees and foliage. On the windowsill, there are several potted plants with bright red flowers. A teal banner with white text is overlaid on the bottom left of the image.

« نكتة » سوم:

قرآن در سوره « شمس » می فرماید:

وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا (۱)

وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَّهَا (۲)

سوگند به ماه وقتی در پی « خورشید » رود.

می‌دانیم که « ماه » فقط تابعِ « زمین » است،

پس « خورشید » و « ماه » این سوره هم،

« خورشید و ماه در آسمان » نیستند،

بلکه باید آنها را در « زمین » و در افرادی مثل:

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین صلوات الله علیه جستجو کرد.

A photograph of a window with light-colored sheer curtains. The window is divided into several panes. Outside the window, there is a lush green landscape with trees and a lawn. In the foreground, on the windowsill, there are several potted plants with bright red flowers. A teal banner with white text is overlaid on the bottom left of the image.

« نکتہ » چہارم:

در « هفده آیه»، « شمس»، « قبل» از « قمر» مطرح شده است:

1. أنعام : ٩٦ فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ حُسْبَانًا ...
2. أعراف : ٥٤ إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ النُّجُومَ
3. يونس : ٥ هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَ الْقَمَرُ نُورًا وَ قَدَرَهُ مَنَازِلَ ...
4. يوسف : ٤ إِذْ قَالَ يُوسُفُ ... إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ رَأَيْتُهُمْ ...
5. رعد : ٢ اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ كُلُّ يُجْرَى لِأَجَلٍ ...
6. إبراهيم : ٣٣ وَ سَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ دَائِبَيْنِ وَ سَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ
7. نحل : ١٢ وَ سَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ النُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ
8. أنبياء : ٣٣ وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ كُلُّ فِي فَلَكَ يَسْبَحُونَ

1. حج : ١٨ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ ... وَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ...
2. عنكبوت : ٦١ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ...
3. لقمان : ٢٩ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ ... وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ...
4. فاطر : ١٣ ... وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى
5. يس : ٤٠ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ ...
6. زمر : ٥ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ... وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ...
7. فصلت : ٣٧ وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ...
8. الرحمن : ٥ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ
9. قيامه : ٩ وَ جُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ

اما فقط در سوره « نوح »، قمر « قبل » از شمس آمده است:

أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا (۱۵)

وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا

(نوح/۱۶)

آیا ندیدید که خداوند چگونه هفت آسمان را طبقه طبقه آفریده؟

و ماه را در میان آنها روشنی بخش قرار داده و خورشید را چراغی قرار داد؟

به نظر شما این چه «**قمری**» است

که در «**هفت آسمان**»، «**نورافشانی**» می کند؟

«**سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا جَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا**»

پس ظاهراً این «**قمر**» هم،

«**قمرِ آسمانی**» نیست.

آیة ششم:



خدایا :

« کلام » ما را « بیان »

و « بیانِ » ما را « روشن و مفید » قرار ده

و در ظهور آخرین حجت ما را سهیم کن.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ

